



جلسه ۱۶۲

دوره هفتم تقنيي

صورت مشروح دذکرات و مجلس

(بدون مذاکرات قبل از مستور)

پنج شنبه اول آبان ماه ۱۳۰۹ — ۳۰ جمادی الاولی ۱۳۴۹

قیمت اشتراك سالیانه داخله، ۱۰ تومان خارجه، ۱۲ تومان تک شماره: یک قران

مطبعه مجلس

دَمَكْرَاتِ مَحْلِس

صورت مشروح مجلس روز پنج شنبه اول آبان ماه ۱۳۰۹ ** (۳۰ جمادی الاولی ۱۳۴۹)

فهرست مذاکرات

(۲) موافق و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

۱) تصویب صورت مجلس

۲) بقیه شور لایحه اصلاح قانون ممیزی

مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

[۱ - تصویب صورت مجلس]

صورت مجلس چهارشنبه سی ام مهر ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) فرائت نمودند ***

رئيس .. در صورت مجلس نظری بسته ؟ (نمایندگان تسلیم نمایند)

خیر) صورت مجلس تصویب شد .

(۲ - بقیه شور لایحه اصلاح قانون ممیزی)

رئيس .. ماده چهار . قانون ممیزی فرائت میشود :

ماده چهارم - کلیه مالکین و بانمایندگان آها مکلفند

ماده چهارم - کلیه مالکین و بانمایندگان آها مکلفند

که شصت روز بعد از تصویب اینقانون منتهی در طرف سه ماه

اطلاعات ذیل را کتبی باداره مالیه محل و بانمایندگان

بدون آفت .

(مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

دابره تنہ نویسی و تحریر صورت مجلس

*** عین مذاکرات مشروح یکصد و شصت و سومین جلسه از دوره هفتم تقنیویه .

غایبین با اجازه - آقایان : حیدری - رهبری - دکتر ملک زاده - عباس برزا - افسر - شهری - دکتر سنگ - مفتی -

محمد علی مرزا دولتشاهی - پالبزی - آصف - اعظم - حاج میرزا حبیب الله امین - کاشانی - فرشی - ارستانی - رحیم زاده - موقر

ظباطیانی وکلی - حاج سید محمود - حاج غلامحسین ملک - نیمور تاش -

غایبین بی اجازه - آقایان : میرزا حسنخان ونوق - دکتر امیراعلم - محمد ولی میرزا - عدل - حاج رحیم آقا - میرزا ابرالفضل

بیات - حاج حسین آقا مهدوی - شیخ علی مدرس - حاج حسن آقا ملک .

دیر آمدگان با اجاره - آقایان : فهیمی - مسعود - ضباء

دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : هزار چربی - شربعت زاده

۵ - عده جفت گاو و یا عوامل متشابه.

۶ - تناسب تقسیم محصول بین مالک و رعیدت.

۷ - مخارج عمومی ملک در هرسال.

نسبت با مالکی که در اجره هستند اطلاعات مذکوره باید با مضای مالک و یا نماینده آن و مستأجر ملک باشد وزارت مالیه مکلف است که از تاریخ تصویب این قانون منتظر تا دو ماه تمام وسائل انجام اظهارنامه های فوق را در هر محل تعییه و اعلانات لازمه را چه بوسیله مامورین خود و کخدایان قراء و چه بوسیله نشر در جراید منتشر سازد و اوراق اظهار نامها را تعییه و بستری مالکیت گذارد رئیس - آقای آقسید بعقوب.

آقسید بعقوب - هر قانونی که مطرح میشود بروزگر این دفعه يك ماده اشادی است و يك دفعه هم ماده الزامی است که در تخلف او عقب است اگر این ماده بعنوان ارشادی بود که مؤذین مالیات روزی کم کردن بوزارت مالیه این کارها را باید بگندن نسبت بخودشان آن بکالیفی که راجع بخودشان است آنها ملزمی است اما نسبت باین که جنس چه جور است و ترتیباتی که حالا عرض میکشم چه جور است اگر آنها ارشادی بود و در تخلف او عقابی نبود که این ماده خوب بود اما چون در ماده بنج و مواد تکلیف را که معین کرده اند آن مستأجر بتویسد و اینکه هم با مضای مالک بشد و هم مستأجر این نمایندگ و باید اینجا زید بشود که در صورت امکان اگر مالک با حضر تعالی موافق اینجا باید ماده اصلاح شود بعلت اینکه ممکن است فلان آدم ملکش اجاره داده باشد و فته باشد بهارویا یا بسده در کرمان مالک دارم و اجاره دادم و خودم در طهران اصلاً عایدات او را من نمیدانم که چه چیز است مالک را مکلف کردن که همچوک صورت بدهد و مستأجر هم يك صورت بدهد این درست در نمی آید این را باید اصلاح کنند.

مخبر کمیسیون قوانین (آقای مصباح فاطمی) - این جا گویا درست توجه نکرند آقا مقصود این است که با مضای مالک یا مستأجر باشد (بعضی از نمایندگان خیر ماده اینطور نیست) نسبت با مالکی که در اجره است اطلاعات مذکوره باید با مضای مالیات یا نماینده او و مستأجر مذکور است خوب است و تخلف هم کرد نسبت با مقدار بعد از اینکه مامور مالیه وزارت مالیه اطلاع پیدا کرد اگر تخلف پیدا کرد مجازات اینقدر باشد اما بنده بینیم و خبر بدhem که آقا مالک بنده (مکفر بنده مقتضی وزارت مالیه هست) ملک بنده در عراق تقسیم میشود به شعیرات و نود و نه شعیراست بنج شعیرش مال آقای مصباح است و ده شعیرش مال دیگری است چهل یا پنجاه سوال شده بود و همه راهنم جواب داده بودند نیست جائی که ممیزی شده باشد و آن اوراق رئیس - آقای آقسید بعقوب.

موید احمدی - عرض کنم در دو موضوع که آقای آقا سید بعقوب مخالفت فرمودند در موضوع اول همچنانکه مؤذی مالیات مکلف است به ادای مالیات و رعیدم سه کوت است یا بنج و دو است این راجع بمردم

(کازرونی - هر دو) و نظر این بود که عرض کردم حلا ممکن است پیشنهاد بگندید رئیس - عبارت غیر از این است این نظر را نمیساند ماده این است که با مضای مباشر و نماینده و مستأجر تواما باید باشد مگر این که (واو) را بردارید و (یا) بگندید اگر اینطور اصلاح کنید صحیح است میتوانید چون خبرید تصحیح بگندید آقای فیروز آبادی.

فیروز آبادی - بنده اینجا هر چند با اصل لایحه کلیه مخالفم لکن یک اصلاح عبارتی بنظرم می آید که نوشته است که کلیه مالکین یا نماینده آنها مکلفند که شصت روز بعد از تصویب این قانون ملتهی در ظرف سه ماه این معناش چه چیز است یعنی شصت روز دیگر آنوقت که سه ماه گذشت این اظهار نماینده را باید بدهد که جمعاً میشود پنج ماه یا جمعاً میشود سه ماه خوب است در اینجا یک توضیحی داده شود و اسباب زحمت نمود که جمعاً پنج ماه میشود. غرض این توضیح بود.

رئیس - آقای دشمنی خالقید.

دشمنی - بله.

رئیس - آقای پاسائی.

پاسائی - مقصود از عبارتی که در کمیسیون گذاشته شده بود همان پنج ماه است که در دو ماه مالیه مقدمات کار را فراهم میکند و اظهار نامها را تهیه میکند و سه ماه هم مالکین در دادن اظهار نماینده و جواب آن مهمات دارند که جمعاً پنج ماه میشود

رئیس - آقای دشمنی.

دشمنی - غرض بنده هم همان بود که آقای فیروز آبادی فرمودند و حق با ایشان است عبارت ناقص و غلط است از این جهت از آقای خبر خواهش میکنم که

در سور ثانی عبارت را طوری کنند که این معنایی که آقای پاسائی اظهار کردد از عبارت مفهوم شود و بیرون باید.

رئیس - آقای کازرونی

شما وقتی ادای مالیات را تکلیف او میدانید پرکردن چهار تا سؤال اشکالی ندارد چنانکه مکلف است به پرداخت مالیات این سوالات را هم جواب میدهد (آقا سید بعقوب - نماینده) (طالشخان - نماینده زورش می آید) عرض کنم در دوره گذشته که مقداری از املاک را ممیزی کرده تقریباً ستونهای که نوشته بود چهل یا پنجاه سوال شده بود و همه راهنم جواب داده بودند نیست جائی که ممیزی شده باشد و آن اوراق رئیس - آقای آقسید بعقوب

است این موضوع را خود آقای معنوں تصدیق میکند که نکلیفی که راجع به خود شخص نیست و نسبت به غیر است و در مقابلش عتاب ذکر شده است که مجازات بشود این ترتیب تعریف میشود و بندۀ عقیده ندارم نسبت به خودش همانطور که عرض کرده معین است و بندۀ این ماده را اصلاح کردم و پیشنهادش را تقدیم میکنم این یک موضوع . موضوع دیگر این بود که آقای کازرونی صحبت کرند که اگر یک نفر در سفر باشد و ملکش در اجره باشد وقتی که در اجره بود باید این آنها ارشادی بود و در تخلف او عقب است اگر این ماده بعنوان ارشادی بود که مؤذین مالیات هاده خوب بود اما چون در ماده بنج و مواد تکلیف را که معین کرده اند آن مستأجر بتویسد و اینکه هم با مضای مالک بشد و هم مستأجر بندۀ هم بعد یک مجازاتی از برای تخلف نسبت باین ماده ذکر کرده است تخلف نسبت باین ماده که ذکر کرده است بنده از این جهت نظر دارم و مخالفتم بواسطه خاطر اینکه ما میخواهیم مؤذین مالیات را مکلف بسازیم از برای مأموریت برای وزارت مالیه خیروز از مالیه خودش مکلف است اطلاعات را کاملاً نسبت به طرز زراعت پیدا کند مکلف بودن وزارت مالیه چه بطبی دارد که مؤذین مالیات تکلیفی برای او معین کنند بندۀ که مؤذی مالیات هستم بگویم آقا بندۀ ملکم در عراق واقع شده یک جفت گاو در آنجا گویندی میکنم سالی هم دو خوار گندم آنجا گیرم هماید قسمت هایین من و رعیدم سه کوت است یا بنج و دو است این راجع بمردم

دهنده اظهار نموده در تعیین خبره بیش از پانچ هفته پس از تقاضای اداره مالیه مسحه کنند خود اداره مالیه اقدام به تشخیص عوائد حقیقی مالک و مالک خواهد شد و در اینصورت مختار خواه مأمورین اعزامی از طرف اداره از اظهار نموده دهنده اخذ خواهد شد

رئیس - آقای آفسید یعقوب

آقای آفسید یعقوب - این موضوع ماده ششم را کنم

عن ششم خود آقای وزیر مالیه هم تصدیق بفرمایند راجع

به تهمیت دولت نیست راجع بضرر قضوت است بعد از

آنکه این مورد تردید واقع شود قهراً آنچه در

مسئله قضوت و عدالت را متصور نمیم و لظر بجهت

دولت ندانند بشیم، موضوع این است به آنکه است

اظهار کننده برای مالیات صورت داده است به مالیات

ملک من پنجاه خوار است بعد هر معمور مالیه تشخیص

داده است که صد خوار است به هفتاد خوار است پس

اختلاف است هایین مؤید مالیات به معمور مالیه ضریق

حل این مسئله با قضوت است این مسئله اینکه در این

حکم است و چنانکه در داده است باید این جه قضوت

کرد قضوت که واقع شد باید از ضریق عدالت پاش در

ماده تا پانچ اندیشه که پانچ خبره این معین میگند

و پانچ خبره دولت معین هی کنند صحیح است اما

در صورتیکه ما بین دو خبره توافق حصل نشد پنج

آمدند و تمام حق را داده اند بداره مالیه...

گلایی ... بهترین ماده ها همین ماده است آقا

آقای آفسید یعقوب - صبر کنید آقا آخر شما همه

مالیات بده هستید، این جه توییه است که پنج اندیشه

خبره را خود اداره مالیه معین میگند و انتخاب میگند

و البته طرف اعتماد دولت هستند که انتخاب میشوند و آن

مالیات دهنده مدخلیتی در آن ندارد دولت بپرسد

نفر را معین میگند او هم ملزم است پانچ از آن

پنج خبر را قبول کند خوب اینجا اکثربت باشی میشود؟

پنج نفر را وزارت مالیه یا نهاینده مالیه معین کرده است

مؤید هم یکفر از این پنج خبر را که آنها معین کرده اند

میگن است یکی اینجاست باشد و دیگر که اینجا نیست ملکش را با جازه داده است به مباشر دارد و بهمین نقضه نظر در ماده قانون هم مالک را مکف کرده هم ناینده نورا هم مستاجر را در هر صورت از ملکش که صرف نظر نکرده است که بروز لاید دست پانچ کی است هر کس که هست ناینده او است و اظهار نموده میگذرد

جمعی از نایندگان - ماکرات کافی است

رئیس - پیشنهاد فرمانده

پیشنهاد آقای آفسید یعقوب

پیشنهاد میگنم ماده پنج این نوع اصلاح شود

ماده ۵ - چنانچه مالک به ناینده او که مکلف بودند

اظهار نامه راجع باطلاعات شخصی خود در طرف مدت

مقرر تخلف نمودند تازمان وصول اطلاعات که خود

مالیه تحصیل نموده ملزم خواهد بود با دای عشره میلیت

آن سان که از او باید ماخوذ شود

پیشنهاد آقای محمد رضا

مقام منع ریاست معظم مجلس شورای مملکت

پیشنهاد میگنم ماده پنج حذف شود

پیشنهاد آقای قوچی

مقام منع ریاست معظم مجلس

پیشنهاد میگنم ماده پنج اینطور نوشته شود

در صورت تخلف مکلفین بدارند اظهار نامه از اینجا

مقررات ماده فوق تازمان وصول اطلاعات مزبوره از

طرف آنها علاوه بر مالیات معمولی ملک ای آخر ماده

رئیس - ماده ششم قرائت میشود:

ماده ۶ - در صورتیکه میزان محصول املاک و باغیات

مالکین آنها که در اظهار نامه ها درج شده مورد تردید

مالیات مالیه واقع شود تشخیص عایدات حقیقی بتصدیق

مالیات دهنده مذکور مذکور مذکور مذکور مذکور

مالیات دهنده مدخلیتی در آن ندارد دولت بپرسد

خیره مرضی الطرفین یا دو خبره از طرف طرفین بعمل

خواهد آمد و چنانچه بین خبره ها توافق حاصل نشد ۵ نفر

خبره از معتقدین محل از طرف اداره مالیه پیشنهاد و

مالک یکی از آنها را انتخاب خواهد نمود و رای سه

نفر خبره مزبور با کثرت قاطع خواهد بود در صورتیکه

و میزی قدمی هم اساس مثل اینکه ملغی میشود لبنداده برابر مالیاتی که معمول بوده است از شرط در فقه میشود ولی وقتی که اظهار نموده را داد میگردد اینکه اظهار نموده را داد آن جریمه موقوف میشود رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرض این در این میزی بنده خلاف هست چرا؟ بجهت اینکه میدانم اینجا بینهاده شد و این میشود

زججهت خواهد شد بخصوص با آن موادی که خوبی «واد

غیریب مشکلی شده خوب اگر نسی در اینمدت پنجم ماده

نیوود مسخر بود اینیست داشت اینچیز بوده باز از دور

بوده که چندان از این امورات اطلاعی ندارد فاکس کس

یک ری ملک دارد و برای این پانچ ملک در پنجم ماده

که معین کرده اند اطلاع نداد در ماده ششم و هفتم هشتم

اطلاع داد آنوقت یک مالیتی که یکیش بجهت امروز

مالیت مالیتی است و بعینده بنده نیوید گرفت این

چیزها را و بی چیزهای کلی رفت آنوقت این مخصوص را

مکلف کنند که دو مقابل بنده این گونه اینها را

دولت و رعید خواهد شد عقیده بنده اینست که داده حذف

شود و در میان اول هم اگر جزوی خودی مدعایات دولت برسد

و یا عایدات دولت که بشود مالیاتی بعد عالمه خواهد شد

و هر چیزی که یا تازه است از حیث قانون گذاشته ای از

تفییر دادن آن بعینده بنده باید با مردم میشاند کرده به

عادت گذشت بعد آنوقت اگر بخواهید سخت بگیرید بگیرید

اما از اول سخت گرفت بنده عقیده ندارم که دو مقابله باشی

بگیرید از آن رعیدی که در اقصی بلا داست و عیش عیش

اطلاع پیدا نمیگند بعینده بنده این کار مشکل است.

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - عرض این در این که فرموده ب

نداد دو برابر باید بدهد یعنی وقتی که مدت دادن

اظهار نامه که پنج ماه باشد گذشت این آدم تا وقتی که

اظهار نامه نداده است و این جریمه بهش مددام

گذشت و نداد این مالیات دو برابر میشود یعنی مالیات

از او دو برابر اخذ خواهد شد و تمویعی که نداده

است این تکلیف باقی است و زویی که داد این اطلاعات

را دیگر مالیات دو برابر به او تعلق نمیگیرد و فرض این

که مالیات مضاعف باو تعلق بگیرد تا موقع قسط اول اگر

نداد دو برابر باید بدهد یعنی وقتی که مدت دادن

اظهار نامه که پنج ماه باشد گذشت این آدم تا وقتی که

اظهار نامه نداده است و این جریمه بهش مددام

ساقط میشود موعد که گذشت اگر موقع آمد

که مالیات بدهد چون اظهار نامه نداده

- 6 -

مالیه از طرف مامورین وصول میشود بمردم باید رفع این اشکالات را بگنیم غالباً هم این منفی بافی هارا نه از نقطه نظر منافع دولت می کنند بلکه از نقطه نظر منافع عواید حقیقی و عوائد برابر مبلغ و مقداری که ما به التفاوت یکدغمه بعنوان جزای تقدیم از دهنده اظهار نامه است برای شخصی خودشان میکنند ظاهرش خبی حق بجانب است و میگویند از نقطه نظر حفظ عوائد دولت است و میخواهند هال دولت را حفظ کنند ولی باطن امر اینست که میخواهند نسبت به مردم سخت گیری کنند که مردم باهش رشوه بدهند مثل همان کاری که در ممیزی ها کردند پس بذبران باید در قانون طوری بیش بینی کرد که حتی امکان جلوگیری بشود از این سوء استفاده مامورین و اختلافی که بین دولت و مردم اجاد میشود یک تکه دیگری را هم که میخواستم عرض کنم این عبارانی است که اینجا نوشته است که اگر یک روزت مردم است مثلاً اینجا نوشته است که اگر یک روزت کمتر از آن اندازه که سهم مالک است یا دو عشر را بیش از دو عشر و باید مالک را بیش از یک روزت کمتر از عوائد حقیقی قلمداد کند این جا باید نوشته شود کمتر از یک روزت یا کمتر از دو عشر قلمداد کند. این عبارت ماده عبارت بدی شده است بیش از کمتر از یک روزت معنی ندارد یک عبارت خیلی بدی است باید نوشته شود هرگاه دهنده اظهار دمه محصول ملک را دو روزت کمتر از آن محصول حقیقی ملک خود قلمداد کند یا اینکه یک روزت سهم مالک را کمتر از عوائد حقیقی قلمداد کند فلان قدر جریمه میشود.

رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - البته بیاده هفتم توجه فرمودند که میگوید در صورتی که بس از تشخیص محصول ملک و عایدات مالک مطابق ماده ششم - پس از اینکه مالک اظهار نامه نداد یا اینکه خبره اش را معین نکرد با معین کرد ولی توافق نظر بین خبره ها حاصل نشد آنوقت باین ترتیب از او جرم گرفته میشود نه اینکه همین طور بین خود از آن چیزی که خبره ها تشخیص داده اند که یک روزت از سهم مالک یا دو روزت از محصول ملک کمتر گفته است جرم میشود. واما اینکه فرمودید آن پنجنفر را مامور مالیه معین می کند این است لکن

رئیس - آقای دشتی

دشتی - غرض از تقدیم این لایحه دو چیز است یکی اینکه دولت کاملاً بمالیات خودش برسد یکی اینکه بمردم اجحاف و تعدی نشود باید هر دوی این منظور کاملاً در کمیسیون دقت شود و پیشنهاد شود عرض کنم که اولاً در این مواد یک چیز هائی هست که اسباب زحمت مردم است مثلاً اینجا نوشته است که اگر یک تبصره در ماده ۶ پیشنهاد میکنم :

با چند مامور مالیه متعددآ یا صراف روی منفی فی در اظهار نامه های تقدیمی تردید میکنند مامور مذکور منفصل و تعقیب خواهد شد

پیشنهاد آقای طلوع

پیشنهاد میکنم در ماده ششم سطر دوم کلامه مامورین حذف و بجای آن نوشته شود پیشکاران و امنی مالیه

پیشنهاد آقای اعتیار

تبصره ذیل در ماده ۶ پیشنهاد میکنم :

با چند مامور مالیه متعددآ یا صراف روی منفی فی در اظهار نامه های تقدیمی تردید میکنند مامور مذکور منفصل و تعقیب خواهد شد

پیشنهاد آقای دهستانی

پیشنهاد میکنم بفایده شش تبصره ذیل علاوه شود

تبصره هرگاه تردید مامورین مالیه برخلاف حقیقت شد خسارته که بمؤیدی مالیاتی متوجه میشود مامور تردید کننده باید از عهده برآید

پیشنهاد آقای طباطبائی دیبا

مقام منع ریاست معظم مجلس دامت شوکته

پیشنهاد مینمایم در سطر پنجم ماده ششم بعد از مالک علاوه شود (یا نهاینده او)

پیشنهاد آقای فتوحی

مقام منع ریاست معظم مجلس دامت شوکته

در ماده ششم پیشنهاد میکنم بعد از لفظ خود اداره مالیه (با دعوت و حضور دو نفر از معمديین عولی) قيد شود

رئیس - ماده هفتم فرائت میشود:

ماده ۷ - در صورتی که بس از تشخیص محصول ملک و عایدات مالک بطرز مذکور در ماده ۶ معین گردد که دهنده اظهار نامه محصول ملک را بیش از دو روزت و یا

ملزم است قبول کند خوب اینجا اکثریت باکی میشود آقای کلایی؟ پس خوب است قدری صبر کنید. اینجا خود آقای وزیر مالیه عدالتیش بیش از موافقت کردن جناب عالی نست در اینجا بنده عقیدام چه چیز است؟ حالاً عرض میکنم پیشنهاد هم کردم در اینجا طریق حکمیت را همانطوری که مرکوز در اذهان ما است معین نمایند سفر را مامور مالیه معین کند سه نفر از هم بحکم قرنه معین شود این یک نفر سر حکم می شود درواقع و این یک نفر به دو نفر دیگر قضاوت قانونی کنندو حکومت کنند و الا این ترتیب را بنده می خواهم آقای کلایی همچنان باشید مخوب نیست می نویسد: در صورتی که میزان محصول اهلان و یا عایدات مالکین آنها که در اینجا ذکر شده مورد تردید مامورین مالیه واقع شود شیخیش عایدات حقیقی تصدیق خبره مرضی العرفي یا دو خبره از طرف طرفین بعمل خواهد آمد تا این ج درست است. بعده میگوید و چنانچه بین خبره ها توافق حاصل نشد پنج نفر خبره از معمديین محل از طرف اداره مالیه پیشنهاد (اینجا قضاوت را تماماً به اداره مالیه داده است) و مالک یکی از آنها انتخاب خواهد شود و رأی سه نفر خبره الی آخرین جا همیشه می دو نفر دادیم باداره مالیه و یک نفر دادیم به اظهار کنند. این است که بنده در اینجا پیشنهاد کردم که طریق همان طریق حکمیت باشد که سه نفر این معین بکند و سه نفر هم او انتخاب کند و یک نفر ازین این شش نفر بشرطه انتخاب بشود این هم پیشنهاد بنده است. تقدیم میکنم.

این ماده خیلی خوب تنظیم شده است برای اینکه این پنجنفر را که بعنوان معمديین محل معین می کند. بالاخره با رئیس مالیه یا مامور مالیه نسبت که ندارند از یک محلی پنجنفری را که بخصوصیات و ترتیباتی که برای اشخاص معمد می باشی لازم است معرفی خواهد کرد و ازین آنها یک نفر را مالک یا هؤلی مالیات قبول خواهد کرد و ترتیب کار را میداند.

کافی است مذاکرات.

حقوقی طرف میشود و آنها که در این باب رأی میدهدند آنها میگویند ما آن شخص حقوقی را برجای نمی یاریجاییم چه اهمیتی برای ما دارد یا کس شخص حقوقی نداشته باشد میرسند و نه کیفیت در دل میگیرد و آن شخص موجودی که خراف ما هست چون منفعت شخصی دارد معنی میگذرد هر قدر ممکن بشد او را راضی نگیرند بهتر است وی باش خود میگویند او اگر ارضی شد شری دارد و اگر راضی شد خیر دارد این است که در این موضوع ممکن است در این همچومن مفعت خصوصی نخواهد داشت در این باب وقفي نه بیشتر بگیرند بگوییم دولت بیرون کمتر بگیرند بگوییم که هر قرقی شن فرقی ندارد پس مضمون پیشید بگوییم تفصیلاتی که این جهت گفته شده است خبره عرضی اخراجین که هست بمثال هم بعد حق داده شده است که باید نظر را انتخاب کنند از این پنج نفر و همچومن اجحاف واقع نخواهد شد ولی آمده و معلوم شد که او فصل اول خلاف واقع عبادات خودش را قدم داد آرده است و دوست را و خودش را بخوبی آرده است که بروند و خبره تعیین نشند و میز نظرستند این جهت وقفي رسیدگی شد چون شرط این خورده است باید مجازات بشود بخواست هر پنج برابر آن مربوط نشود است

رئیس - پیشنهادت فرمود بعثت
پیشنهاد آقای سید یعقوب

پیشنهاد میگذرم در مدد هفت عبادت پیش از لغت بنوع اصلاح شود برخلاف واقع قلمداد گردیده شد درین برابر آنچه برخلاف قلمداد آرده نباشد خوشنود پیشنهاد فتوحی

در مدد ۷ پیشنهاد میگذرم بعد از جمله (عوائد بر طبق اظهار زده است) اتفاق (نسبت بعائدی مالکانه) قید شود پیشنهاد آقای اعتماد

تصویره ذیل را پیشنهاد میگذرم:
تصویره - در صورتی که مستاجر و تاینده عایدات حقیقی مالک را برخلاف واقع صورت داد مالک حق خواهد داشت به صورت تقدیمی اعتراض ممکن است صورت عبادات

سهو اشتباه کند و پیش تووان کم بنویسد آنچه آقا فرمودند گذشتند نهضت دو عشر را چرا نگفتند و بقیه چه می شود این پیش از دو عشر آغاز رفته است تاحداً الاتر یعنی اگر حد توان را پنج توان می بنویسد باز از دو عشر زیادتر است اگر هشتاد و پنج توان می شود کمتر از هم شد است بس در کمتر از دو عشرين معاف است اگر بیشتر باشد هر قدر پیش از حد توان را دو عشرين معاف است بعد از تابت کرد همان مجازات را دارد حد توان را تا هشتاد توان می توانند را اجازه دادند پیش از حد توان را دو عشرين قلمداد شدن در محکمه صالح بعد از محقق شدن این مسئله دو برابر آن چیزی که برخلاف قلمداد کرده است بدده این پیشنهاد بندۀ است و تصدیق بفرمائید اینها مجازاتی هست که اشتباه کند ولی اگر هشتاد توان را هشتاد و نه توان نوشته اینجا دیگر یک مجازاتی دارد و همچنان چه چیز است؟ بات توان اکمتر قلمداد کرده است با این جرم اما یک دفعه پنج برابر قلمداد متناسب با این جرم نیست و یک مرتبه هم فوختن برخلاف واقع قلمداد کردن این همه چیز را شامل است این هم مجازاتی است بمنجه و جنایت که نیست خلافی کرده است و مجازات آن خلاف هم دو برابر این مجازات کافی برای اینکه آنها اهتمام بگذارند و هر تاباً سعی کنند و بایند مالیات شان را بدهند باشه مدعی است این است که بندۀ پیشنهاد کرده.

وزیر مالیه - می خواهم عرض کنم هم راجع باین ماده و هم راجع بمواد دیگری که مجازات دارد عرض کنم که آقایان یکقدری در خصوص مجازات ایجاد می فرمایند که مجازات زیاد است یا مجازات اصلاً بقول آقا نباشد و خودشان می آیند و میدهند یا اینکه کم باشد ملاحظه بفرمائید روح این قانون و چیزی که مؤثر است در اجرای آن همین مجازات است اگر مجازات نباشد و مؤبد بداند هر وقت اظهار نامه داد داد کاری که باید معمول مالیه یک منفعت شخصی دریافت در جایی که باید معمول مالیه یک منفعت شخصی دریافت کاری داشته باشد چنانچه بعضی آقایان اشاره کرده اند آن می شود صاحب منفعت شخصی و صاحب مالک هم یک منفعت شخصی دارد اینجا ممکن است که معمول مالیه بیش تدبیر بگذارند ولی در مملکت ما یاشاید این معمول شود و همچنان که این موضع باشید در جهان عذر شد دو برابر باید باشد و میگوید مفهوم قانون و مفاد قانون این است که قانون را که بدست اینکه تحصیلدار نزود در محل یا خبره ها نزوند یا میزیند جدید شود اگر این جارا ما محکم نگیم که در هر مورد باید خبره ها جمع بشوند و میزی تازه بشود پس بنا بر این باید کاری کرد که اصلاً جرئت تخلف نکند و از آن طرف اگر درست دقت بفرمائید خیلی نهایت ازفاق شده است بندۀ تصور می کردم که ای کاش ما می نوشیم اینجا پیش از آقایان یکقدری چنان بزند و ده برابر شود - اما این پنج برابر مابه التفاوت هم چندان زیاد نیست تا زاده این مالک حد توان مخصوص است اگر حد توان شد تا هشتاد توان می تواند عمداً

زیاد است این است که بندۀ پیشنهادی کرده ام در این خصوص اولاً در صورتی که علوم شود برخلاف واقع قلمداد کرده اند این برخلاف واقع تمام مراتب را شامل می شود دو عشر را شامل می شود کمتر از هم شد می شود زائد برآن را هم شامل می شود اگر برخلاف واقع آمده است و اظهار نامه داده است بعد از تابت شدن در محکمه صالح بعد از محقق شدن این مسئله دو برابر آن چیزی که برخلاف قلمداد کرده است بدده این پیشنهاد بندۀ است و تصدیق بفرمائید اینها مجازاتی هست که اشتباه کند ولی اگر این پیشنهاد بندۀ است و تصدیق بفرمائید اینها مجازاتی هست که این جهت بعد از محقق شدن این مسئله این پیشنهاد بندۀ است و تصدیق بفرمائید اینها مجازاتی هست که این جرم است اما یک دفعه پنج برابر کردن متناسب با این جرم نیست و یک مرتبه هم فوختن برخلاف واقع قلمداد کردن این همه چیز را شامل است این هم مجازاتی است بمنجه و جنایت که نیست خلافی کرده است و مجازات آن خلاف هم دو برابر و یا عایدات مالک را پیش از یک عشر کمتر از عوائد حقیقی قلمداد کرده است . حالا عبارت را هر جوری بگذرم میشود اگر آمد و بلا تر از کرد سه عشر کرد یا چهار عشر کرد بجز باید همین مجازات درباره او اعمال بشود اما حالا در کمتر از دو عشرين نظریات وزارت های نیز است که مجازات ندارد ولی نسبت به آن طرفش معین نشده است که مجازات را برای دو عشرين گزین کرده اند یا برای زیادتر آن طرفین قضیه را ذکر نکرده اند و برای اینکه یک قدری قضاوت اداره مالیه را کمتر بگذرم باید معین بگذرم که میزان چه چیز است چون آنوقت اداره مالیه آنچه نشسته است میگوید مفهوم این قانون دو عشرين است که نوشتند است اینقدر مجازات دارد اما اگر سه عشر شد باید مجازات زیادتر باشد چهار عشر شد دو برابر باید باشد و میگوید مفهوم قانون و مفاد قانون این است قانون را که بدست اینکه تحصیلدار نزود در محل یا خبره ها نزوند یا میزیند جدید شود اگر این جارا ما محکم نگیم که در هر مورد باید خبره ها جمع بشوند و میزی تازه بشود پس بنا بر این باید کاری کرد که اصلاً جرئت تخلف نکند و از آن طرف اگر درست دقت بفرمائید خیلی نهایت ازفاق شده است بندۀ تصور می کردم که ای کاش ما می نوشیم اینجا پیش از آقایان یکقدری چنان بزند و ده برابر شود - یکی دیگر هم اینکه آقای وزیر مالیه تصدیق بفرمائید که این مجازات خیلی زیاد است اگر آمد و ملکی ده هزار توان مالیاتش بود هشت هزار توان آن را قلم داد کرده است آنوقت چقدر باید جریمه بدهد؟ پنج هزار توان ده هزار توان این مجازات را تصدیق بفرمائید خیلی

واقعی را زنای تقدیم دارد و اگر در صورت تقدیمی مالک اداره مالیه تردید نماید مطابق ماده ۷ عمل خواهد نمود و مأخذ اخذ مالیات صورت تقدیمی مالک است - رئیس - آقای فیروز آبادی پیشنهادی دارید

فیروز آبادی - بله اینجا لطف ...

رئیس - خوب آقا اگر پیشنهادی دارید بنویسید می فرستیم به کمیسیون .

فیروز آبادی - چون اینجا عبارت اشتباه شده ... (صدای زنگ رئیس) - دعوت بسکوت

رئیس - ماده هشتم قرائت میشود:

ماده هشتم - در ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون بدولت و مالکین اجازه داده میشود نسبت به ممیزی هاییکه تا این تاریخ بعمل آمده است و لواینکه بتصدیق وزارت مالیه هم رسیده باشد اعتراض نمایند و در اینصورت اگر اعتراض کننده مالک باشد ممیزی جدید بخرج او بعمل خواهد آمد و اگر دولت باشد خواهد شد و در اینصورت مطالبه میکند که در اینجا مالیات املاکی که ممیزی شده است بدولت حق داده میشود ولو آنکه ممیزی را هم وزارت مالیه تصدیق کرده باشد امروز الغای کنند بعد از آنکه ملکی کردند مالیات سابق را برقرار کنند حالا یک ملکی که قبل از ممیزی مالیاش چهل خروار بوده امروز دولت بعد از این که ممیزی شده بیست خروار مالیات مطالبه میکند آن وقت همان مالیات چهل خروار را از یک طرف مطالبه میکند صدی صد بر مالیاش اضافه میکند از یک طرف همین قسمتش را مثل تسعیر شش ماه قبل ازش مطالبه میکند قیمتیش هم صد برابر است ملاحظه بفرمائید یک مالک بیچاره هم باید هم دو مساوی قیمت جنس را بدهد کنندم خرواری شش توهمان را باید بدهد دوازده توهمان دوازده توهمان را باید بدهد بیست خروار را میفرمائید تحمیل نیست؟ واما در قسم املاک خراب آن شب در فرآکسپون بندۀ یک عرايضی کرده و جمله اخیر این ماده که «ويا دولت بخرج مالک ممیزی جدید خواهد کرد» هیچ دراین ماده بود زیرا خیلی از املاک در آستانه هست در تمام ایالات و ولايات که حقیقتاً فرمودید فرمودید که چه تحمیل جدیدی و چه مالیات

رئیس آقای وثوق

آقای وثوق - قبل از اینکه عرايض خود را عرض کنم خاطر آقای تقوی زاده وزیر مالیه را توجه میدهم باینکه شاید هیچیک از آقایان منکر وصول مالیات در این مملکت نباشند (صحیح است) زیرا تمام ما معتقدیم که باید مخارج اجتماعی مملکت را این ملت بدهد بدون اینکه چیزهایی مراجعتی درین باشد ولی در طریق وصول بمقصود البته یک نظریانی است بندۀ بعقیده خود آن شب در فرآکسپون بندۀ یک عرايضی کرده و جمله اخیر این ماده که «ويا دولت بخرج مالک ممیزی جدید خواهد کرد» هیچ دراین ماده بود زیرا خیلی از املاک بعضی موادش ناقص است دیروز در ضمن مذاکرانی که فرمودید فرمودید که چه تحمیل جدیدی و چه مالیات

تا ممیزی جدید بشود و اگر خیر دولت معتقد نیست باید بخرج خودش برود و فوراً ممیزی کنند این یک عملی است که ملک مردم شکست میخورد. ملک خراب و خراب است فدائش خراب است آنوقت مالیات ممیزی قبل را بدهد تا دولت و اگر ندهد دیسق حتماً خرج ممیزی را بدهد تا دولت ممیزی کنند این نست که آن شب هم در فرآکسپون عرض کرده و این جمله هم در آخر این ماده بود و تعدادی که در این میسیون اعضاً محترم کمیسیون تعدادی که در این جمله را اختفای کرده اند اذ این بندۀ پیشنهاد میکنم این جمله از ماده حذف شود

رئیس - آقای عدل موافقید
عدل - مخالف

رئیس - آقای یاسائی

یاسائی - عرض میشود ممیزی هایله توجیب قانون شده اگر از طرف دولت مورد اعتراض شد که بوجیب این ماده دولت بجز میشود تجدید نظر نماید و در تیجه انتشار اظهار نامه در تمام مملکت تکلیف این قسمتی این میشود اگر یک تفاوتهایی به ممیزی قبل از توزیع ضهار نامه داشت آن بخبره رجوع میکنند در صورت اختلاف و الا تفاوت را خواهند داد و اگر چنانچه مالکی یک مؤدى شکایت داشت که ممیزی که قبلاً شده است بضرر من تمام شده است به جزء جمع قدری تجمیع مالایماق است باید تجدید نظر شود البته و قبیله یک مالکی تفاوت میکند از دولت که تجدید نظر شود همین طوریکه در قسمتی که خود دولت اعتراض دارد تجدید نظر را خرجش را میدهد آن قسمتی هم که خود مردم معتقدند تجدید نظر شود می شود شما خوشوقت باشید که این پیشنهادی که تعدادی آقای اعتماد بود یا یکی از آقایان دیگر کردند در این قسمت ابتدا لایحه دولت این را نداشت ابتداء لایحه دولت این بود که دولت تجدید نظر بکند اگر اعتراضی دارد بروز تجدید نظر کنندوی بعد از مذاکرات قرار شد که از طرفین باشد اگر اشخاص هم شکایت دارند از زیادی مالیات بتوانند در آنجا گفته شد که در این مورد خرجش با خود مؤدى باشد

استعداد اولیه را از دست داده اند و اگر باور ندارید از خالصیات خودتان که در تمام نقاط ایران دارید تحقیق کنید که آیا این ملک حاصله که داشته اید حالت پنج سال پیش با حالت امروزین چه چیز است؟ چند خانوارش کم شده است؟ چقدر رعیاش متفرق شده چه قدر از عبادات اسلامی خاصه با آن مواضعی که صد از همان عایدات اسلامی خاصه با آن مواضعی که میکنید کسر شده بشد همینطور اسلامی مردم در اثر سبل در اثر آفت در اثر گماهی در اثر هزار جور آفت دیگر نکس پیدا کرده است روی همین اصل هم بوده شما مجبور شده اید اسلامی را ممیزی کردید شکایات هر زمین از اطراف و اکناف مملکت بقدیم به دولت رسیده میکردید تا بعد یک ترتیبی برای اینکار بدھید و شروع کنند به ممیزی در اطراف مملکت و مبلغی خرج کرد حالا می خواهد ممیزی با الغاء کنند مالیات اسلامی که شکسته و استعداد اولیه اش را از دست داده و الات شاید صد در صد از اینجا اینکه ملکی کردند مالیات سابق را برقرار کنند از عایداتش کسر شده حالا این جا شما می خواهید مالیات قبل از ممیزی را بگیرید بسیار خوب میخواهید ممیزی جدید بکنید خیلی خوب دیگر چرا مخچ خروار مالک میتوانید اینجا ماده هشت سه قسم اسلامی را یعنی سه تکلیف از برای دولت معین کرده یک تکلیف برای اینکه اگر مالک اعتراض کرد به ممیزی بخرج خود آن مالک ممیزی بعمل آید یک تکلیف حقوق دولت است که اگر دولت اعتراضی داشته باشد لغو میکند و مالیات قبل را میگیرد و اگر مالک اعتراض نکرد که همان مالیات قبل را میدهد و اگر اعتراض کرد آن بخرج خودش ممیزی میشود یک موضع راجع به مالکی است که خراب است اینجا بعد از آنکه صاحب مالک و مالک مالک اظهار کرد که این مالک من استطاعت دادن مالیات قبل از ممیزی را ندارد دیگر چرا بخرج مالک ممیزی شود اینجا باید دولت خودش اگر بعد از مذاکرات قرار شد که از طرفین باشد اگر اینجا گفته شد که در این مورد خرجش با خود مؤدى باشد که هست مالیات را باید از روی اظهار نامه اش معین کنند

بنتظر بندۀ یات تبحیل فوق العاده بست در اینجا که تجدید نظر شود و خرجی داشته باشد خود مُؤدی تقدّم اکنندۀ باید آن خرج را بددهد و ابتدا اقدامات دولت از تقدّم نظر مُتفاعل عمومی باید مختار جشن بهمهۀ خزانه داشد ولی اگر باز گشتش بهمنع خصوصی افراد داشد بازی مختار جشن را شخصی بهمنع خصوصی افراد داشت را دعایت بکری کرد و این کار مختار جنی داشته باشد نام الاصول این مختار با این شخص است. مردمی که اشخاص خود را این عنوان خودشان بردارند مثلاً نامه دیشواده، شهزاده، معلم، معلمی بوده است یعنی درجه درجه وقت جزو جمیع عملی بوده است یعنی درجه اول شده است یات مایه‌ی تیری هنگستی در بعضی پنهان پرسیده است یات مایه‌ی رفته بود شاهرون چاریده بود ایلات چاریده بودند خراب شده بود میجاهه آمده بود چنانکه بین المللی آمده بود که اینها تمام اسباب خرابی شده بودند و وصول نمی‌شد و حلاهم سره‌سراه مسماه که بین دیوار و این اندیشه از طرف وزارت دیگر این شود که مختار جمیع قدری معمول بشود این اصل اسلام نیست که باید را از زری و خواهد بکنند تهیه بگیرند. اگر اینها دیگر خودتان بحقیق بکنند خواهد دید آنها هست که همیزی نشاده است متحتم المعاشرها که بیش‌شده نیست اینها از زری جزو جمیع قدری وصول شده این نیست بدلیل اینکه خیالی بغاذه است که اینها تمام اسباب خرابی شده بودند و وقت که خیر اشخاص تقدّم نهاده میکنند از دولت که اقدام خاصی برای آنها بکند ایله خرجشی را باید بدهند.

رئیس - آقای عدل

عدل - غرض بناه در این مدد همان موضعی بود که آقای راؤق گفتند ولی به ترتیب دیگر زیرا که می‌دانند: و اگر دولت طرف باشد تا استقرار مالیات جدید مالیات قرار از همیزی اخذ خواهد شد نسبت به این تقدّم تمام اینچه نظر آقای روزی مایه را جلب میکند باین موضع قوانینی که نوشته بی شود غایباً برای آن عصر است. برای آن وقت است همین‌طور تیری قی که بیش از وضع قوانین بعد از مشروطیت گذاشته شده است تویری قی داد. شاه است آنها هم همان طور برای آنوقت بوده است این جزو جمعی که گذاشته بیشود و همیشه بجز داده از این مدعیک مالیات گذاشته شده و جزو جمیع امور اینه برای آنوقت خوب بود. و مصلی بوده و مدعیع هم بوده است ولی بعد متناسبات زان یات موافق بیشی اورد. است که آن جزو جمیع این طریقی را که آقا میفرمایند هیچ عملی نیست حضرت

مستطیعانی در یات قسمت نظر دارید بندۀ یات فلک دیگر میکنمندۀ فلک میکنم یات جهائی را که مأمورین مأموریت رفته‌اند آنچه ویرایملاخواسته‌اند یعنی نسبتۀ اندیه متعهد بوده‌اند در آنجا برخلاف واقع و حقیقت یات همیزی همیشۀ است و یات مأمورت همیزی فرموده‌اند به آن همیزی همیزی کار خلاف حق و عدالت بوده است و شاید حدی سی صادی خلاف حق و عدالت بوده است یات که بیشتر نیست آنچه بیشتر نیست نهاید و الا اگر بخواهیم از نو از روزی چون جمیع قدیم در وقت شود این پرنسپال نخواهد شد باز تاگراف شکایت خواهد امده‌اند این روزی پیش از شرکت این کار دچار اشکان می‌شود از این‌ها می‌شود شدۀ باز پرسیده تصادیق خواهد کرد این است که بندۀ پیشنهادی کرده‌ام تقدیم میکنم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب موافقید؟

آقا سید یعقوب - غیرنماین
رئیس - آقای اعتبار
اعتبار - موافق

رئیس - بفرمایید

اعتبار - گمان میکنم اگر آقای عدن توجه بفرمایید آنها سبق را بندۀ نماید اینه یات مایه‌ی اینه چیزی است بوده‌چهه بیشتر نیست در این مأمورت مالیات همیزی هم چندین می‌باشد این است عذری شده بعثیق قوی می‌باشد نخواهد بود.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آنها سید یعقوب - در هدایت نصوحه بیانات آقای وزیر مایه‌ی خوب انسن هر چه صحبت پذیریست فرد معینش را ایشان میگیرند و اوران مورد حمله قرار میدهند عیفرمینه بندۀ توهمن مالیات عیده‌ده آنوقت چقدر تخفف کرده بینج توهمن آنوقت هم سامعین میگویند پنج توهمن به تخفف واقع شود خس را پنج توهمن چه چیز است؟ یات توهدن اینه یات توهدن مالیات مجازات زید نیست. آنوقت آن یات خرفش را دل هی کنند که اگر زید تر شد چصور؟ در واقع آقی تقوی نزد است. لیدر همه‌هه بوده‌اند و در بیان و نصوحه همیشۀ غایب داشته‌اند برای این است شکایتی نیست حکمیت است اصل اینه عدد تعدادی بفرمایید آقای وزیر مایه‌ی اینه کلاه وزارت مایه‌ی کلاه دولت و کلاه توهمن را برداشته است که آمد هی لایه‌هه آورده‌اند هزار توهمن برای همیزی امسال گرفته‌اند برداشته بعد صدو پنجاه هزار توهمن خرج از دند صدو پنجاه هزار توهمن سال دیگر صدو پنجاه هزار توهمن سال دیگر اینه را مصالعه بفرمایید بهه بینید چقدر کلاه دولت و کلاه مایه‌هه و هزاره برداشته شد بعد از این مدت که چهار دوره است یه

ملکت میزوند و نهایت مراقبت در کار مامورین مالیه دارند معاذلک باید تصدیق کرد که نه تنها در ایران شاید در همه جای دنیا اینطور باشد که مأمورین وزارت مالیه بیش از سایر جاهای خلاف میکنند چون اینها در استشان پول است کسیکه در وزارت تعارف کار میکنند چه خلاف کاری میتوانند بکند اما اینها صاحب جمیع مملکت هستند و مستقیماً میزوند در ولایات پول جمع آوری میکنند از ممیزی مملکت فایده داشته بشند از تسعیر مملکت فایده داشته بشند اگر مأمور نادرست بشد مملکت فایده ببرد و البته نادرستی کند او را مجازات خواهد کرد ما وزارت مالیه و اولیای دولت به هزار چشم باید مواظب باشیم که خلاف کاری نشود حالا که فرمودید بنده صریح عرض میکنم فرمودید از روزیکه من آمدم چرا مجازات نمکردم این سوء ظن هائی که هست ما کمتر دلیل واضحی در دست داریم بنده بسرکار قول میدهم شما و همه آقابن هر کس را که نشان دادید و دلیل بدست آمد یه معلوم شد یه امراه اش بدست آمد یه سوء ظن حاصل شد که بیان تقدیش کرد بنده تعقیش میکنم و مجازات میکنم و اینکار را دائم میکنیم نه اینست که نکنیم و روز بروز هم بهتر میشود پس در يك مواردیکه در اینجا دولت سوء ظن دارد این سوء ظن داییجه نمیشود تعقیب کرد شاید هم سوء ظن بییجهت بشد ولی در ده قایش یکیش این صور میشود نه قایش درست است وقتیکه سوء ظن دارد ابراد میکنند معینش اینست که ممیزیرا قبول ندارد بعداز آنکه ممیزیرا قبول نکرد چکار بکند که ملغی است يك اساس دیگری باید داشته باشد آن اساس چیست اساسی است که سی سال چهل سال معمول بوده و دو سه سال است غیر آن معمول شده این بر میگردد با آن اساس سابق آخر باید يك اساسی در دست باشد ولی آقا يك دقت هم بالاجه بفرمائید به بینید اصلاً مواردیکه بمردم زحمت میدهد کجا است پنجمان قرار گذاشته برای اینکه مردم اظهار نامه بدهند سه ماه هم قرار گذاشته که دولت حق داشته باشد اعتراض کند

تبییض که نباید بشود یا این یا آن باید بدھید شما خودتان که مفمن هستید اینرا هم باید اصلاح کرد که مالیات جدید تعیین خواهد شد یا اینکه بگذارند دولت مطابق اظهار نامه عمل کند و بخرج مالک ممیزی جدید کند این بود تذکر بنده راجع یا این موضوع که عرض کرد و دیگر پیشنهادی ندارم.

وزیر مالیه - اینکه فرمودید بنده يك مورد تعییفی را بیندا میکنم و آنرا عرض میکنم آقا هم خیلی این مطلب را از دایره خودش بسط میدهند و شامل همه ممیزیها میکنند اینجا صریح نوشته شده است. یک قسمت از آن ممیزی را ممکن است نه دولت اعتراض کند نه مالک آنچه بخوبیان بیاندازند خود دولت که حقیقت غرس با مردم ندارد که حتماً بدون هیچ دلیل موجه و بدون هیچ جهت اعتراض کند لابد باید جهت داشته باشد. يك قسمتیکه همچکدام اعتراض نمیکنند جریان خودش را سیر میکند يك قسمتی را که مالک اعتراض میکند دولت اعتراض ندارد دولت تصور میکند که ممیزیش بد نبوده است در اینصورت مالک اگر اعتراض کند ما باو حق دادیم که تقاضا کند و دوباره ممیز بفرستیم هر طور که نتیجه بدهد. يك قسمت که همانند همان قسمتیکه خودتان اشارة کردید میفرماید که ما احتمال میدهیم و دلایل در دست است یا میشه سوء ظن هائی هست که شاید اینجا مطابق حق ممیزی نشده است آن موارد و فرمودید که این اشخاصیکه خلاف کاری گرداند و اشتباه کاری کرده اند و با خدای نخواسته ارتقاء کرده اند آنها را چرا مجازات نمکرده اند اول این را جواب عرض کنم مگر روزنامه ها را و آنچه را که منتشر میشود و همه مسبوقند مستحضر نیستید در این چند ساله اخیر از دو سال قبل یا این طرف شاید مامورین هیچ وزارت خانه باندازه مامورین وزارت مالیه مجازات نشده باشند هر روز علاوه بر اینکه خود وزارت مالیه مجازات میکند بتنوع وسائل معزول میکند از خدمت خارج میکند مجازات میکند هیئت های تدقیشیه مملکتی در همه جای

اشخاصی بودند که این صد و پنجاه هزار تومن را کرفتند و رئیس میزی بودند و رفتند شما آنها را مجازات کردید؟ بنده نمیخواهم چون نه رئیس مالیه هستم و نه میخواهم این مسائل را عرض کنم کجا شمائی که با این باکدامی وارد شدید در وزارت مالیه کدام یا که از اینها را در تحت تعقیب آوردید که آقا این پول هائی را که شما گرفتید و رفاقت این چه ممیزی است که برای مملکت کردید بنده آن می بینم همان آن است و همان کاسه و همان اشخاصی که کمپانیهای سابق هستند حالا چکار میکنید دو هر تبه کی را میاورید بچه دلیل و چه اطمینانی دارید در مقابل مجلس شورای ملی در پیشگاه ملت چه اطمینانی دارید که این قانون را که ماست در این دلیل باز شما گرفتار آنها نمیخواهید شد بنده که همان اشخاص را می بینم همانها هستند همان کسانی که يك آنها دوستیه شان هست که چطور فرمان دادند و حکم دادند بمجردی که رفتند آنها تغییر شدند اینها يك هیئت است که بنده محض تذکر و محض حقیقت علاقه مندی که بشم دارم و امیدوارم که انشاء الله موفق شوید يك قدم هائی برای مالیه که روح مملکت است بر دارید عرض میکنم و مسلم باز حضور قان عرض میکنم که ممکن نیست بشود نسبت بفالب جاها بعایدات جزو جمعی برگشت محل ندارد مثلاً بشما عرض کنم خودم رعیت بوده محل ما پنجهزار خانوار بوده است يك مالیات جزو جمعی داشته است حالا رسیده اسب بد صد و پنجاه خانوار آمده اند ممیزی هم کرده اند یقین دارم که قبول نمیکنند بر میگردند بجای دیگر از کی بگیرند نمیتوانند عمل بکنند این يك جاییش را که خودم میدانم و در آنها تولدید کرده اند عدالت شما رؤوفت شما يك جوری خواهد کرد های دیگر که در مجلس هستند و از ویرانی و اوضاع ساخته این مملکت خبر دارند. و یکی دیگر مثلاً راجه قانون کذاری است حالا حضور شما عرض میکنم این عبارت نوشته شده است مالیات جدید تعیین و یا دولت بخرج مالک میزی جدید خواهد کرد «ما چطور میشود رأی بدھیم تحقیق کنید چرا دوسيه را در نظر نمیگیرید چه

این سه ماه همان سه ماهی است که اظهار نامه مبدهد آگر کسی اظهار نامه جدید بدهد و اعتراض نامه اش هم رجوع بشود و خبره ها هم تصدیق بکنند این یک نوع ممیزی است و از این بابت خلاص میشود لکن با بد اینجور فرض کرد یک کسی اظهار نامه هم نمیبدهد کلام دولت را هم برداشته است و دولت هم سوژظن دارد اعتراض هم نمیکند و نماید اینرا یک طوری اصلاح کنند راضی هم نیست که ممیزی جدید بشود آخر این باید یک اساسی داشته باشد مطابق اساس قندیم باید از او مالیات گرفت تا اینکه بباید و اظهار نامه بدهد یا اینکه ممیزی جدید بشود فرمودید چرا تاینجا بدولت اختیار داده میشود میکوید اظهار نامه را که داد مطابق اظهار نامه میتواند مالیات معین کند میتواند هم اصلاً میز بفرستد میز جدیدی تعیین کنند بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

مذاکرات مجلس

پیشنهاد آقای فتوحی

تصدره ذیل را ماده ۸ پیشنهاد مینمایم
تصدره - در صورت اعتراض دولت که تا استقرار مالیات جدید مالیات قبل از ممیزی اخذ خواهد شد منحصر با خذ مالیات قبل از ممیزی از سال اعتراض بوده و نسبت بسنوات قبل از آن معامله که مالیه هر محل با مالکین در مقدار و مبلغ مالیات نموده معتبر و تفاوت مطابقه نخواهد شد

پیشنهاد آقای فتوحی

پیشنهاد میکنم در ماده ۸ بعد از جمله (ولو اینکه بتصدیق وزارت مالیه هم رسیده باشد اعتراض نمایند) اینطور نوشته شود در اینصورت ممیزی ملک بخرج مالک در مدت سه ماه بعد از وقوع اعتراض مطابق ماده ۶ تجدید نظر بعمل آمده و مالیات قطعی تعیین شود

پیشنهاد دیگر آقای فتوحی

مقام منيع ریاست مجلس شورای ملی تبعصره ذیل را برای ماده هشت پیشنهاد میکنم

تبصره ۲ - خرج ممیزی درمورد اعتراض مالک یا دولت عبارت از صدی پنج مالیات قانونی خواهد بود پیشنهاد دیگر آقای فتوحی

در ماده ۸ تبصره ذیل را پیشنهاد میکنم
تصدره اول - ممیزی بهائی که تا حال مورد تصدیق مالک و مالیه های محل و معامله شده است محاسبه مالیانی سنوات گذشته آنها مفروغ محسوب است

پیشنهاد آقای اعتبار

پیشنهاد میکنم در آخر ماده ۸ اضافه شود در صورتیکه در نتیجه ممیزی فانوی معلوم شود که مالک ذبحق بوده مخارج مامورین ممیزی بعده دولت خواهد بود

پیشنهاد آقای کلالی

پیشنهاد میکنم ماده ۸ بطريق ذیل اصلاح شود
ماده ۸ در ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون بدولت و مالکین اجازه داده میشود نسبت به ممیزی بهائی که تا این تاریخ در املاک اربابی بعمل آمده است ولو اینکه بتصدیق وزارت مالیه هم رسیده باشد اعتراض نمایند و در اینصورت اگر اعتراض کننده مالک باشد ممیزی بخرج او بعمل خواهد آمد و اگر دولت باشد تا استقرار مالیات جدید مالیات قبل از ممیزی فقط از همان سنه اخذ خواهد شد و در صورتیکه مالکین آنها اظهار نمایند که استطاعت تادیه مالیات قبل از ممیزی را ندارند پس از اخذ اظهار نامه مذکور در ماده ۴ مالیات جدید تعیین و بموقع اجرا گذارده شود

پیشنهاد آقای ونوق

مقام عالی ریاست مجلس مقدس شورای ملی پیشنهاد میکنم در آخر ماده ۸ جمله و با دولت بخرج مالک ممیزی جدید خواهد کرد از ماده حذف شود

پیشنهاد آقای عدل

پیشنهاد میکنم ماده ۸ - پس از عبارت و اگر دولت باشد اینطور اصلاح شود و اگر دولت باشد تا استقرار مالیات جدید مالیات از روی میزی که بعمل آمده دریافت جنسی که بمحض ماده دوم تسعیر میشود از داده

ما ذکر میکنیم
و پس از تجدیدنظر و استقرار مالیات جدید زیاده و نقیصه آن محسوب و برداخت می شود
رئیس - ماده نهم قرائت میشود - سه فقره دیگر هم از این پیشنهادات مانده قرائت میشود

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

مقام منيع ریاست مجلس مقدس
نظریاً نکه مواد چهار تا هفت این لایحه تمام مالکین را مكلف نموده در ظرف پنجماه صورت عوائد ملک و مالک را بدنهند و در نتیجه سهم دولت قطعاً معلوم میشود در اینصورت ماده هشت را ازد است و شکایت فعلی مالک یا دولت عجاله از ممیزی ها بیمورد است و پیشنهاد میکنم ماده ۸ حذف شود

پیشنهاد آقای ونوق

مقام عالی ریاست مجلس نورای ملی
ماده هشت را پیشنهاد میکنم مخارج معین شود که چه مبلغ باشد

رئیس - ماده نهم قرائت میشود:

ماده ۹ - مواد ۲ - ۳ - ۸ - ۱۰ - ۱۷ - ۱۷ قانون ممیزی مصوب دیماه ۱۳۰۴ ملغی و سایر مواد آن بقوت خود باقیست

رئیس - آقای عدل

عدل - بنده در این ماده دو فقره توضیح میخواستم از آقای وزیر مالیه یکی مینویسد که مواد ۲ - ۳ - ۷ - ۸ - ۱۰ - ۱۷ ملغی میشود ماده سه عبارت است از

حمل غله مینویسد مودیان مالیاتی در موردی که مالیات خود را عین جنس باید بدنهند مخربند جنس مالیاتی را در محل تحويل مامور مالیه نموده و برای نهیه وسائل حمل آن در ازای هر خروار پنجقران پردازند و یا اینکه

جنس را بنقطه که دولت معین میکند و مسافت آن بین از پنج فرسخ نخواهد بود حمل کرده تا دو فرسخ مجاناً و زیاده بر آن را کرایه عادلانه دریافت نمایند ولی مقدار جنسی که بمحض ماده دوم تسعیر میشود از داده

با مامورین مالیه علی الاصل مساعدت کنند مقصود اینست که اینقانون اصل تحصیلداری را از بین برد (و او حالا باین زودی هم نشود) که مردم خودشان مالیات را بدهنند و محتاج تحصیلدار دیگر نباشند و اگر يك کسی تخلف کرد بمامورین نظمه و امنیه در شهر ویرون مراجعته میکنند و مورد تخلف را تعقیب میکنند بنا بر این باید این ترتیب باشد که سایر وزارتاخانها هر کدام در قسمت خودشان مامور اجرا باشند

رئيس -- آقای اعتبار مخالفید

اعتبار -- بله بندۀ گمان میکنم فرمایشیکه آقای وثوق کردن صحیح است برای اینکه آقا می فرمایند مامورین نظمه و امنیه.

(در این موقع آقای اسفندیاری از مجلس خارج میشوند)

رئيس -- آقانامل بفرمائید اگر بخواهید تشریف پیرید ها می خواهیم رای بکیریم مشکل میشود و مجلس از اکثریت میافتد

اعتبار -- مامورین نظمه و امنیه يك مسویتهای مستقیمی ندارند که میکنند یا شرکت میکنند دراجراء یا اعلانات را منتشر می کنند آنها مسؤول مستقیم نیستند اگر چنانچه در اجراء این قانون مردم بخواهند مراجعته کنند بدانند مراجعته کجا است این است که بعیده بندۀ ما وزارتمالیه را فقط مسؤول اجراء قرار بدهیم بهتر است (صحیح است)

رئيس -- مذاکرات کافی است؟ (بلی) مواد الحاقیه قرائت میشود:

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی . ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد مینمایم

ماده الحاقیه - املاک و اراضی صیغی کاری از مالیات

معاف است محمود رضا

ماده الحاقیه آقای دهستانی

ماده الحاقیه ذیل را پیشنهاد میکنم

ماده الحاقیه - چنانچه در اجرا و اقدام هر يك از

بتوسط کدخدایان باطلاع اهالی قراء باید برسد رئیس - آقای یاسائی

یاسائی -- موافق
رئيس - مخالفی نیست ؟ (خیر) پیشنهاد آقای ناصری قرائت میشود:

ناصری -- پیشنهاد بندۀ راجع به ماده ۹ بود طلوع -- بندۀ هم يك پیشنهادی راجع به ماده نه داده بودم

رئيس -- گذشته است هیفترستیم بکمیسیون (خطاب به آقای ناصری) اینجا نوشته است ماده ۱۰

ناصری -- بندۀ انتباہ کردم مقصود ماده نه بود .
رئيس -- ماده یازده قرائت میشود:

ماده ۱۱ -- باستثنای موادی که تاریخ اجرای آن در خود قانون معین گردیده است بقیه مواد پس از تصویب بموقع اجرا گذارده خواهد شد و وزارتاخانه های مربوطه مسئول اجرای آن میباشد

رئيس -- آقای یاسائی
یاسائی -- موافق

رئيس -- آقای وثوق
وثوق -- اینجا مینویسد وزارت خانه های مربوطه باید بنویسند وزارت مالیه مسئول اجرای آن خواهد بود (بعضی از نمایندگان - وزارتداخله) وزارت داخله برای نشر اعلان است نه مسئول خود امر این است که بندۀ عقیده دار وزارت مالیه مسئول اجرای اینقانون باشد

بهتر است تا وزارت خانه های مربوطه

رئيس -- آقای یاسائی
یاسائی -- بعیده بندۀ اینطوری که نوشته بهتر است

بعثت اینکه سایر وزارتاخانها غالباً مسئول میشوند اولا در ماده قبل نوشته شده است بوسیله وزارتداخله

بتوسط کدخدایان باطلاع اهالی قراء باید برسد این يك تکلیفی است که برای وزارت داخله معین گرده اند و

علاوه مامورین نظمه مکلفند که در اجرای این قانون

عبارت شامل آن نمیشود پس از این نقطه نظر تعیین کردن حالا که خودتان فرمودید در کمیسیون تجدید نظر بشود

بهتر است بندۀ نظر خودم را عرض کردم که تعیین کردن مواد بهتر است و مخصوصاً همان چیزی که آقای عدل آمدند و گفتند نمیدانم چرا خوب توجه نکردید آن ماده هفت صریحاً در دوره ششم سخن شده است این هم در نظرتان باشد و استدعای بندۀ و همینطور اکثریت مجلس این است که تعیین مواد را بفرمایند نه اینکه بر سبیل اطلاق مشکل میشود بندۀ خودم در مدرسه بودم يك عبارتی درس میدادم بعد نمی فهمند هیکنهم ده نمی فهمی !

رئيس -- آقای یاسائی موافقید ؟
یاسائی -- بلی

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .
رئيس -- پیشنهادات قرائت میشود:

پیشنهاد آقای طباطبائی دیبا مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکته پیشنهاد مینمایم ماده ۹ بعنوان ماده ۱۱ مرفوم

و به ترتیب ذیل نوشته شود
ماده ۱۱ -- مواد ۲ - ۳ - ۷ - ۸ - ۱۰ - ۱۲
قانون میزی مصوب دیبهای ۱۳۰ ملغی است

پیشنهاد آقای فتوس
پیشنهاد میکنم در ماده ۹ - ضمن مواد ملغای قانون میزی مصوب دیبهای ۱۳۰ ماده نهم قانون زیور علاوه شود -

پیشنهاد آقای کلالی
ماده ۹ را بطريق ذیل اصلاح میکند

ماده ۹ -- مواد ۲ - ۳ - ۷ - ۸ - ۹ - ۱۰ - ۱۵
۱۷ قانون میزی مصوب دیماه ۱۳۰ ملغی و سایر مواد

آن که مقاییری با مواد اینقانون نداشته باشد بقوت خود باقی است -

رئيس -- ماده ۱۰ قرائت میشود
ماده ۱۰ -- اینقانون علاوه بر اینکه بوسیله وزارت مالیه باطلاع عامه خواهد رسید بوسیله وزارت داخله نیز است ولی باز می چسبند و میکویند بعلت اینله این

دقت ثانوی بشود و الا در هر يك از این مواد يك مباحثاتی خواهد شد

رئيس - آقای آفاسید یعقوب - يك موضوعی را بندۀ بعرش آقای وزیر مالیه میرسانم تصدیق می فرمایند که این مسائل پیش آقای وزیر مالیه و اعضاء مجلس همه روشن است

ولی وقتی بدست اجرا و مامورین در ولایات می افتد مشکل میشود بندۀ خودم در مدرسه بودم يك عبارتی درس میدادم بعد نمی فهمند هیکنهم ده نمی فهمی !

میکویند نه نمی فهمم بعد نکرار میکردم : قانون صریح است ما می فهمیم وزارت مالیه هم میداند لکن بموقع

اجرا که میرسد ما باید بقدرتی قانون را صریح بنویسیم که موجب شبهه نباشد اینکه حضرت مستطاباعی فرمودید پیشنهاد دولت این بود بندۀ وحشت از همین میکنم که چون نوشته است اینجا هر چیزی که مغایر و مخالف با این است ملغی میشود این « هر چیزی که مخالف است »

در مقام قضاوی میایند يك موالدی را اتخاذ میکنند که در واقع نه موافق نظر قانون گذار بوده است و

له نظر وزارت مالیه . آنوقت عمل میشود بعد شکایت میشود وزارت مالیه و زارت مالیه شکایت را رجوع میدهد به محکمات مالیه محکمات مالیه رجوع میدهد به

محققین آنوقت ملاحظه کنید که این بیجباره منحوم شده است اولادش رفته است ازین برای خاطر یک اشتباہی که مادر اینجا يك قدری مسامحه گردید ایم و واضح ننوشتم . اگر ما اینجا واضح و صریح ننویسیم که این ماده و آن ماده بخصوص ملغی است دیگر اشکال ندارد شما چرا بر سیل مطلق هیفرهایدو سایر موادی که متباین است ازین برود بندۀ میدانم حسن

عقیده حضرت مستطاب عالی را نسبت باجرای قوانین و حسن عقیده مجلس را لکن در مقام عمل . چنانچه در قوانین عدیله که بدبختانه گرفتار هستند يك ماده قانون است در صورتیکه شاید در تحت يك عبارتی ملغی شده است ولی باز می چسبند و میکویند بعلت اینله این

- ۲۰ -

رئیس - موافقین با ورود در شور دوم قیام فرمایند
 (اکثر برخاستند) تصویب شد

[۳] - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه [

رئیس - جلسه آینده شنبه سوم آبان ماه سه ساعت
 قبل از ظهر دستور لایحه عتیقات
 (مجلس یکربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

مواد اینقانون از طرف مامورین دولت برله و یا بر علیه
 مؤذین مالیاتی افعال و یا اعمال غرض و نظر خصوصی
 شود. مجازات مرتكب افعال از خدمت دولت خواهد بود

پیشنهاد آقای اعتبار

در ماده یازده پیشنهاد میکنم بجای وزارت توانای مربوطه
 نوشته شود وزارت مالیه